

7 گناه خطرناک در معامله گری

Overcoming 7 Deadly Sins Of Trading





فهرست مطالب

ترس

طمع

بی مبالاتی

کمال طلبی

غرور

خشم

ناشکیبایی



معامله گری ساده است ، اما آسان نیست

منظور از این عبارت این است که بخش زیادی از اصول معامله گری ساده هستند ولی بخش اصلی که معامله گران به آن توجه نمی کنند بخش ذهنی و روانی آن است .

غلبه بر ترس

ترس احساسی ضعیف کننده است . ما از ترس هایمان دوری میکنیم و برای همین روبه رو نشدن با ترس ها است که می نشینیم و انواع رخداد های وحشتناک را که قرار است اتفاق بیفتد ، را به آن فکر میکنیم . ترس ابتدا اراده ما و بعد از آن خودمان را ضعیف میکند . با رفتار های ناشی از ترس ، بر آتش اضطراب خود هیزم میریزیم و این چرخه معیوب تا ابد ادامه دارد . ما یا میترسیم ، یا میترسیم مبادا قرار باشد یک موقع بترسیم !

(احساس کنترل بر شرایط کلید سلامت ذهن است)

وقتی ما احساس میکنیم که روی اوضاع کنترلی نداریم ، ترس بر ما تسلط پیدا می کند ترس از کمبود کنترل میتواند باعث ایجاد افسردگی شود .

برخی از افراد اسیر ترس ها می شوند و رفتار های حاصل از آن باعث می شود به درستی معاملات خود را مدیریت نکنند و در نهایت به جای اینکه کمی از بازار فاصله بگیرند و دلایل این اتفاق را بررسی کنند این کسب و کار را به طور کلی کنار میگذارند .

اگر بخواهیم معنی ترس را بررسی کنیم میتوانیم بگوییم (واقعی نمایی از انتظارات نادرست) است .



این کار را با نت برداری شروع کنید زمانی که میخواهید وارد معامله شوید یا زمانی که تصمیم به خروج از معامله میگیرید احساسات یا ندا های درونی خود را یادداشت کنید و بعد از آن بررسی کنید کدام یک درست بوده و کدام یک اینطور که فکر میکردید نبوده است.

بسیاری از افراد بعد از اینکه وارد معامله می شوند به محض ایجاد اولین تغییرات قیمتی برخلاف تحلیل تحلیل آن ها از معامله خارج می شوند و باعث می شوند سودی که برای آن برنامه ریزی کرده بودند تحقق پیدا نکند .

یکی از پادزهر های ترس است ، اشتیاق است . اشتیاق باعث می شود تمرکز ذهن از آنچه نمیخواهیم رخ دهد برداشته شود. ترس می گوید چیزی در آینده وجود دارد که باید برایش آماده باشید ولی زمانی که شما سیستم معاملاتی دارید که به شما می گوید چه زمانی وارد شوید و چه زمانی خارج شوید دیگر نگرانی ندارید و شما میتوانید با خیال آسوده معامله کنید.

به یاد داشته باشید که اقدام بزرگ ترین سلاح شما در مبارزه با ترس است

شهامت به معنای نترسیدن نیست بلکه شهامت اقدام در عین ترسیدن است .

چیزی را که می خواهید به دست می آورید و بعد باز هم بیشتر میخواهید. هیچ چیزی برای شما کافی نیست. این نشان می دهد وضعیت اصلا خوب نیست.

برد آن سوی ترس است. باید قید چیزهای با ارزشی را بزنیم تا چیزهای ارزشمند تر بدست آوریم ولی تا چه میزان باید روی دارایی های خود ریسک کنیم؟

طمع اغلب از احساس کمبود سرچشمه می گیرد، این فکر که پول هر اندازه باشد هیچ موقع کافی نیست!

اگر فردی از درون احساس فراوانی داشته باشد نیازی به زیاده روی در معامله ندارد.

زمانی ممکن است طمع باعث شود که شما عجولانه و بدون فکر و تحلیل وارد معامله ای شوید "مثلا ترس از دست دادن فرصت، یا ترس از دست دادن پول" باعث می شوند ما به حقایق توجه نکنیم.

راهکار چیست؟

همیشه تلاش کنید از پنجره فراوانی به دنیا نگاه کنید. فراوانی ثروت و فرصت را در اطراف خود تشخیص دهید و از آن قدردانی کنید ولی در انتظار بیشتر آن هم باشید.

به همه فرصت های گذشته، حال و آینده که قرار است برای شما رخ دهد نگاه کنید. فرصت های زیادی وجود دارند که منتظر هستند از طرف شما کشف شوند منتظر آن ها باشید و مطمئن باشید می توانید آن ها را ببینید و از آن ها بهره ببرید.

غلبه بر بی مبالاتی

برای موفقیت در معامله ، شما باید ریسک پذیر باشید یا حتی از قرار دادن سرمایه در معرض ریسک لذت ببرید . اما بین ریسک کردن در مقیاس مناسب با در نظر داشتن احتمالات و ریسک کردن فقط برای اینکه ریسک کرده باشیم بسیار تفاوت وجود دارد.

ریسک پذیری یکی از بخش های مهم این تجارت است ، اما ریسک غیر ضروری ، خیر.

معامله گر های بی مبالا ، هیچ وقتی را صرف بررسی احتمالات نمی کنند و آن ها معامله را تنها به خاطر لذت آن انجام می دهند و می گویند " حالا بزار وارد معامله بشیم ببینیم چه اتفاقی می افتد "

ما باید در بازار باقی بمانیم تا بتوانیم برای مدت زمان طولانی معامله کنیم . اینکه ترس چیز خوبی نیست درست است اما با تمام وجود به سمت خطر رفتن هم درست نیست مابه تعادل بین آن ها نیاز داریم .

حقیقت این است که از هر ده معامله گر تازه کار نه نفر پول خود را از دست می دهند اما کسی از خودش سوال نمی کند چطور ممکن است این اتفاق رخ دهد؟ مگر شانس برد و باخت ما پنجاه ، پنجاه نیست؟

تنبلی یکی دیگر از شکل های بی مبالاتی است. معامله گری که تازه کارش را بدون آمادگی شروع کرده است دارایی خود را به خطر می اندازد و این معامله گر اصلا به خودش زحمت نداده که تحقیق کند و ببینید چه روشی در بازار جواب می دهد.

غلبه بر کمال طلبی

معامله گری هرگز کامل نبوده است بلکه معامله گری بر اساس احتمالات است شما پایه های معامله گری خود را بر اساس احتمالات بنا می کنید نه بر اساس کمال .

بسیاری از معامله گران با اینکه می دانند چیزی جز احتمالات در بازار وجود ندارد به دنبال سیستم معاملاتی بی نقص و بدون خطا هستند که احتمال برد آن ها را تا صد درصد افزایش دهد و چنین استاندارد هایی فقط باعث کاهش آرامش و حتی سود آوری آن ها می شود و همین بهترین خواستن باعث می شود بدترین نصیب آن ها شود .

ترس اصلی معامله گران کمال طلب این است که خطا کنند و ناکارآمد به نظر برسند و یا به اندازه کافی خوب نباشند .

اولین چیزی که یک معامله گر کمال طلب باید بداند این است که هیچ روش درست یا نادرستی در معامله گری وجود ندارد بلکه فقط معاملات برنده و بازنده داریم و قطعا با هر دو آن ها رو به رو خواهیم شد .

این که ما هیچ کنترلی بر معاملات خود نداریم درست نیست . این ما هستیم که تصمیم می گیریم چه زمانی وارد معامله شویم و یا از آن خارج شویم و یا اینکه در چه بازاری معامله کنیم و حتی کارگزاری خود را انتخاب کنیم و تنها چیزی که بر آن کنترل نداریم رفتار بازار است .

وقتی خودتان را در یک معامله مقدم بر همه چیزی قرار می‌دهد، اشتباه بزرگی مرتکب می‌شوید. اول از همه توجه خود را به مواردی غیر مرتبط جلب می‌کنید و در ادامه در تلاش برای حفظ و ارتقای وجهی شخصی‌تان اطلاعات مهمی را تغییر یا حذف می‌کنید و راهکار این است که نباید اینقدر به خود بیندیشید.

غرور کاری می‌کند که شما فقط به خودتان در معامله‌گری فکر کنید و زمانی که این اتفاق رخ دهد شما از هر دو سر می‌بازید، هم پولتان را و هم اعتماد به نفس‌تان را.

اگر چیزی از نظر منطقی کاملاً آشکار باشد به تصمیم‌گیری نیاز ندارد فقط زمانی که شواهد کافی وجود ندارد مجبور به تصمیم‌گیری می‌شویم و فقط کافی است به این عدم قطعیت غرور هم اضافه کنید تا تصمیم‌گیری سخت‌تر شود.

معامله‌گرها ترجیح می‌دهند سود را حتی وقتی در حال افزایش است، در حالتی امن نگهدارند و ضرر را حتی وقتی که در حال بیشتر شدن است اصلاً در نظر نگیرند. قمار بازها هم در روبه‌رو شدن با این موقعیت دقیقاً همین کار را می‌کنند. آن‌ها امیدوار هستند در پایان روز توانسته باشند باخت‌های خود را از بین ببرند به خاطر همین شرط‌بندی‌های بزرگ‌تری انجام می‌دهند و با همین روش باخت‌های خود را افزایش می‌دهند.

ما باید با ذهنی باز وارد بازار شویم و همچنین به سیستم معاملاتی خود اعتماد داشته باشیم و این حقیقت را نیز بپذیریم که بازار رفتار خاص خودش را دارد.

معامله گری با خشم ، بترین راه برای از دست دادن پول است . بازار کم ترین اهمیتی به احساسات و موقعیت شما نمی دهد . درست همانطور که باران اهمیتی به برنامه تفریح شما نمی دهد .

احساسات سیستم های هشدار ابتدایی ما هستند و به ما کمک می کنند که بفهمیم کجای کار اشتباه است .

افراد مختلف نسبت به خشم رفتار واکنش های مختلفی از خود نشان می دهند ، برخی از آن ها خشم خود را نشان می دهند و برخی آن را سرکوب می کنند و بر این باور هستند که حتی خشمگین شدن کار نادرستی است.

فرد خشمگین به دنبال کنترل شرایطی است که از کنترل خارج شده و جالب اینجاست که فرد خشمگین ، نه تنها نمی تواند شرای موجود را کنترل کند بلکه کنترل خود را نیز از دست می دهد چون خشم باعث از دست دادن قدرت و کنترل بر شرایط می شود.

وقتی شما معامله گری را به چشم یک مسیر بی پایان یادگیری ببینید دلیلی برای خشمگین شدن وجود ندارد در برابر هر ضرر شما چیز جدیدی می آموزید و در نهایت باعث بهتر شدن شما می شود.

خشم یکی از احساسات شدید است و شما می توانید با تغییر کلمات کمی آن را کنترل کنید مثلا به جای اینکه بگویید من عصبانی هستم بگویید من ناراحت هستم .

ناشکیبایی بسیاری از معامله گران را دچار اشتباه می کند . چون معامله گران با عجله وارد معامله می شوند و یا از آن خارج می شوند .

بسیاری از معامله گران می خواهند زود تر از موعد وارد معامله شوند یا از آن خارج شوند تا بتوانند چند قدمی از بازار جلو بیفتند . زمانی ممکن است شما اینقدر از رفتار بعدی بازار مطمئن باشید که تصمیم بگیرید هرچه سریع تر وارد شوید و فرصت را از دست ندهید ولی بازار تا به ما سیگنال ورود ندهد نباید وارد شویم چون هنوز روند مشخص نشده است.

بسیاری از افراد فکر می کنند معامله گری روشی برای یک شبه پولدار شدن است . اگر شما برای پول درآوردن در بازار عجله داشته باشید هم از نظر تعداد و هم از نظر حجم معامله زیاده روی می کنید و به جای آنکه به سرعت پولدار شوید به سرعت پول خود را از دست می دهید چرا که باید با فکر درآمد آهسته و پیوسته حرکت کنید .

به چراغ زرد در چراغ راهنمایی فکر کنید این چراغ نه نشان ایست است نه نشان حرکت ، فقط یک هشدار است یعنی برای تغییر وضعیت آماده باشید.

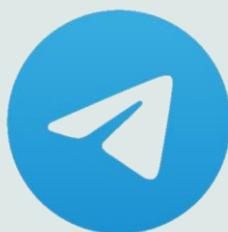
" بیچاره آن ها که از نعمت صبر بی بهره اند . چرا که برای بهبود زخم ها هم نیاز به زمان است و به مرور بهبود می یابند."

ویلیام شکسپیر

هر روز نکات معامله گری دریافت کنید



[instagram.com/mihaninvest](https://www.instagram.com/mihaninvest)



t.me/mihaninvest

میهن اینوست

